

ودر آنجا از هرج و مرج و موقعیتی که پیش آمده بود بهره برداری کافی نمود .



سردار اشجع بختیاری

فائده رضا و جعفر قلی

اواخر جنگ بین الملل اول بود که سردار جنگ پس از برادرش سردار اشجع حاکم بالاستقلال اصفهان شد و از مهم ترین عملیات او رفع غائله رضا و جعفر قلی بود که

۱- یکی از موارد استفاده سردار اشجع در اصفهان موضوع غارت بانک انگلیسی ها وسیله ژاندارمها بود که سردار اشجع نیز در آن میان استفاده کامل نمود .

در طول جنگ بین المللی کوس لمن الملکی را کوبیده ابتدا بنام آزادیخواه و مجاهد که غالباً با سر بازان روس و هندی دست و پنجه نرم میکردند اما کم کم آتشی در حوالی اصفهان و محال و اطراف آن افروخته بودند که شعله اش سر تا سر مناطق مرکزی ایران را فرا گرفته بود و کسی در آن نواحی از جان و مال خود ایمنی نداشت و هر کس هم حاکم اصفهان میشد و ملزم بدفع آنان میگردد از عهده بر نمی آمد برعکس بعضی ها هم در موقع حکومت خلعت برای آنها میفرستادند و طرق و شوارع را در بست در اختیارشان میگذاشتند و در واقع همین موضوع بود که بیشتر موجب اهمیت و شهرت آنها شده و استعدادشان هم بالغ بر سه هزار سوار و پیاده مسلح گردیده بود. اغلب رجال اصفهان و تجار معروف طوق بندگی و چاکریشان را بگردن انداخته بودند و در واقع با آنها باج میدادند.

اصولاً این قبیل اشخاص با نظر و صلاح دید بعضی از رجال که موجبات تقویت آنها را از نقطه نظر سیاست خارجی که میبایستی آن نواحی در آتش ناامنی بسوزد بوقوع پیوسته بود ولی در این موقع باز همان سیاست خارجی اقتضا میکرد که همزمان خاتمه جنگ این غائله نیز بکلی بر طرف گردد و چنانکه خواهیم دید عده ای پلیس جنوب که متعلق بانگلیسی ها بود در رفع این غائله شرکت نمود.

روی این اصل سردار جنگ در سال ۱۳۳۷ هجری قمری که حکمرانی اصفهان را بعهده گرفت کمر همت و مردانگی را بمیان بست و بدولت مرکزی قول داد که در رفع آنها جان خود را فدا کند یا آنکه آنها را بکلی نابود سازد ضمناً لکنه ننگ حکام قبلی و رجال اصفهان را هم باین طریق پاک نماید.

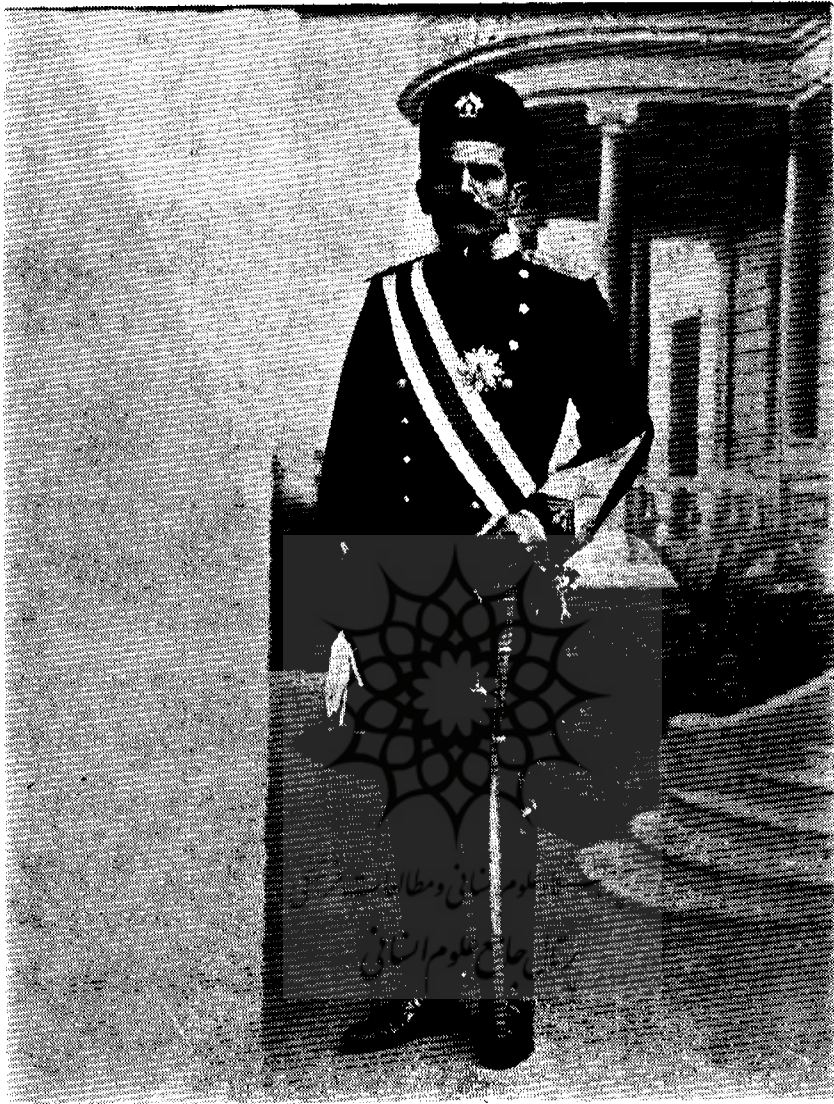
بنابر این با اخذ اختیارات تامه و بودجه کافی حکومتی اصفهان را پذیرفت و سدیدالملك برادر کوچکتر ارشدالدوله معروف راهم که از دوستانش بود نایب الحکومه خود نمود و غلامرضا خان سردار بختیار پسرش راهم مأمور جمع آوری استعداد بختیاری کرد.

سردار جنگ اولین حاکم بختیاری بوده که معاون یا نایب الحکومه خود را

از غیربختیاری انتخاب نموده است در صورتیکه مرسوم چنین بود که خوانین بختیاری هر کجا حاکم یا والی میشدند نایب‌الحکومه‌ها را هم از خود یا لااقل از رؤسای طوایف بختیاری تعیین مینمودند در هر حال سردار جنگ بمجرد ورود باصفهان و تنظیم و ترتیب کارها اول بیایگان اخطار نمود که دست از یاغی‌گری برداشته اصفهان بیابند و تسلیم شوند آنها هم از شنیدن خبر حکومت سردار جنگ پشتشان بلرزه درآمد معروف است دیوان خواجه حافظ را برداشته تفأل زدند و اتفاقاً غزل معروف که يك بيت آن این بود: مرغل باز هوادار کمان ابروئی است ای کبوترنگران باش که شاهین آمد بنظرشان رسید کتاب را دور انداختند و در فکر فرو شدند و بعد تصمیم گرفتند.

رضاخان در جوزدان که وطن او بود اقامت گزید و بنای مکاتبه را گذاشت و همه روزه هم واسطه و وسیله بر میانگذاخت که سردار جنگ را مشغول کند ولی جمفرقلی با استعداد کافی در اطراف بود. سردار جنگ هم اردوئی فراهم کرد و بریاست سردار معظم پسر امیر مخم و سردار بختیار پسر خود و چند نفر دیگر از خاندان را به تعقیب جمفرقلی اعزام داشت. در خلال این اوقات اداره لنج پولی از خوزستان از طریق راه بختیاری بطرف اصفهان حمل کرده بود و این کاروان پول که از طریق بختیاری حمل و از راه چهارمعال تا باغ وحش نزدیکی اصفهان سلامت وارد شده بود و مأموران اینکار هم آن جمفرقلی اسیوند بود بمجرد ورود بیایغ وحش از سردار جنگ کسب تکلیف کرد جواب نوشت شما بر گردید سر کارتان پولها دیگر آسیمی ندارد و وارد اصفهان خواهد شد زیرا سردار جنگ رضاخان را مطیع تصور میکرد و اطرافیان هم بی‌درپی گزارش میدادند که همین دو روزه جمفرقلی را یا کشته یا زنده دستگیر و وارد اصفهان خواهند نمود و اتباعش غالباً فراری شده‌اند و در محمديه جرقویه چند نفر از آنها را کشته‌اند.

علی اکبر خان سالار اشرف و اسکندر خان ضیفم الدوله هم مأموریت یافته بودند که در لنجان اموال مسروقه هر چه هست که یاغی‌ها در دهات آنجا بامانت گذارده‌اند همه را جمع‌آوری و باصفهان بیاورند و اتباع آنها را هم هر کدام را دیدند دستگیر نموده اعزام دارند و از اهالی لنجان نیز التزام بگیرند که در دستگیری یاغیان همکاری نمایند



سردار جنک بختيار

و مرکز عملیات خود را هم فلاورجان قرار داده و مشغول اجرای دستورات بودند. و اما از پولهای اداره لنج و مکاری مکار بشنوید چون از اهل نجف آباد اصفهان بود و با رضاخان نیز سروسری داشت بفلاورجان که رسیده بود بدون معطلی مبالغی از پولها را که بار چند قاطر بودند و در حدود هشتاد و پنج هزار تومان میشد درست حرکت

داده نیمه شب وسیله سید محمود نام نجف آبادی آنها را در جوزدان به رضاخان تحویل نمود و قاطرها را در بیابان رها کرد .

سحر جریان را بسالار اشرف اطلاع دادند ولی کار از کار گذشته بود فقط کاری که توانستند انجام دهند بقیه پولها را که هنوز در کاروانسرا آنطرف پل بود و بآنها دست نزده بودند آنها را حمل کرده بفلاورجان منزل خود منتقل نمودند و بعداً با چند نفر مسلح پولها را باصفهان حمل و تحویل نمودند سالار اشرف مدت یکماه در فلاورجان اقامت داشت تا عده سردار معظم که از حدود یزد که در تعقیب جعفر قلی رفته بودند مراجعت و باو ملحق شدند پس از تدارک و جمع آوری سوار دستور رسید که عده ای بسر کردگی سردار بختیار و علیرضا خان امیراکرم (پسر سردار محتشم) در تعقیب باغیان حرکت کنند .

این عده منزل بمنزل شروع به پیشروی نمودند هر جا میرسیدند آنها قبلاً از آنجا خارج شده و بکوهها رفته بودند همینطور از این آبادی بآن آبادی و از این ده بآن ده و از آن کوه باین کوه در تعقیب آنها بودند تا رسیدند به اردستان آنجا شنیدند که در ده تقی آباد توقف دارند شبانه حرکت نمودند آفتاب تازه سرزده بود که وارد آنجا شدند از اهالی خبر شدند که دو ساعت قبل از ورود آنها تعدادی پیاده و مقداری ستر والاغ را از آنجا عبور داده بطرف ورزنه و خودشان بطرف اردستان و زواره رفته اند .

همینکه مختصری استراحت نموده و ناهاری صرف کردند سواری از طرف چراغعلیخان سردار صولت پسر فتح الله خان سردار ارشد رسید و خبر داد که اشرا در فلان مزرعه آسوده در خواب میباشند فوراً اردو حرکت کرد و بتاخت روانه شد بیکفر سنگی مزرعه که رسیدند خبر شدند که از آنجا هم کوچ کرده بطرف کلومل و طر ق رفته اند . ناچار آنها را تعقیب نمودند و موقعیکه بقلعه کوچکی که آنرا کلومل مینامیدند رسیدند اطلاع پیدا کردند که شب قبل آنجا بود و پس از جمع آوری وحیف و میل کلیه آذوقه آن قلعه بطرف مورچه خورت فراری شده اند عده از آنجا هم حرکت کرده وارد مورچه خورت شدند و خبر شدند که جعفر قلی و اتباعش شبانه از آنجا عبور کرده در تیران به رضاخان

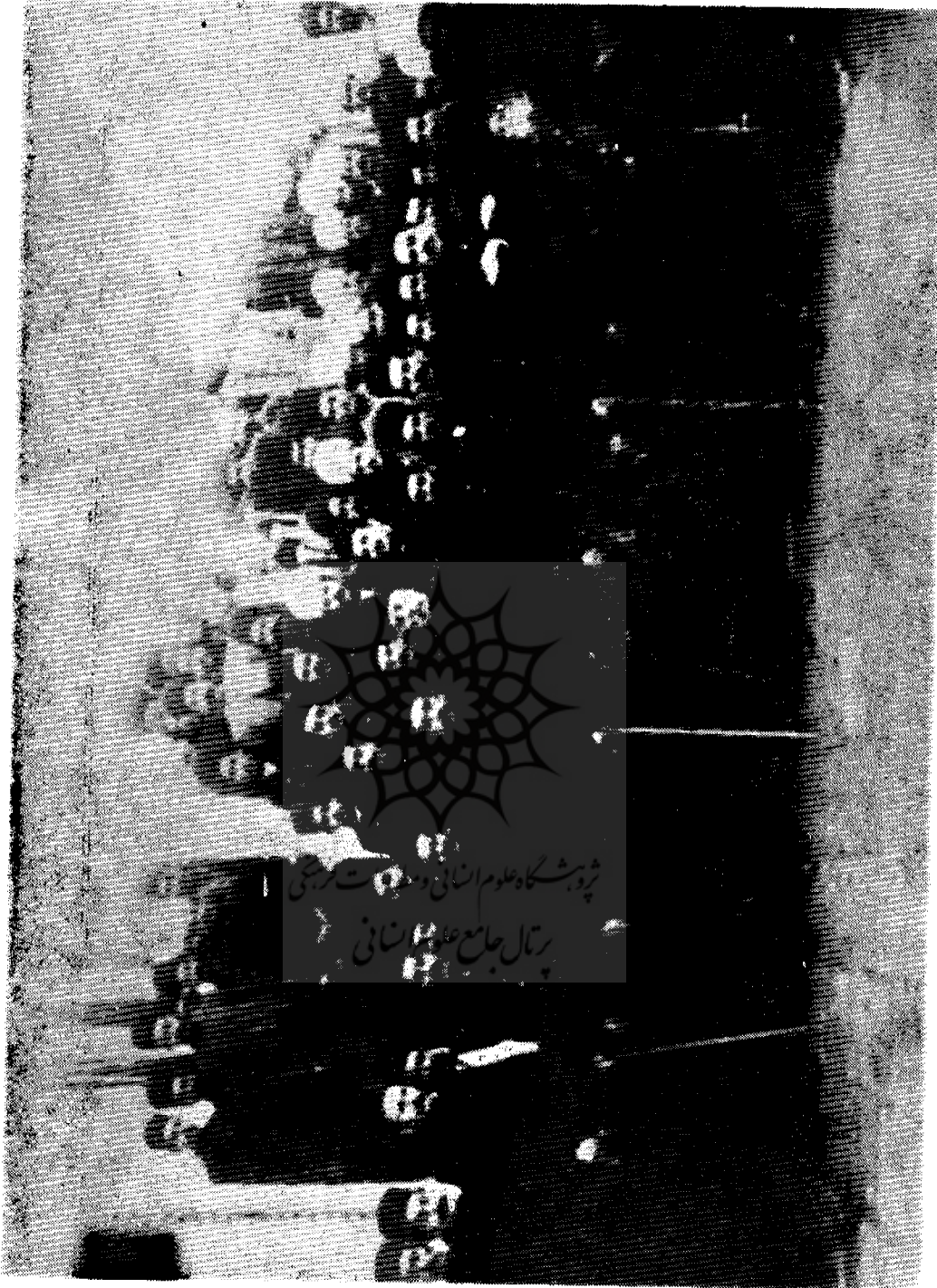
ملحق شده اند .

تقریباً پنجاه شبانه روز نوعی که شرح داده شد در تعقیب بودند و همیشه فاصله بین آنها هم در حدود چند فرسنگ بوده و تصادفی رخ نمیداده است . حوالی عید بود که اردوی بختیاری در محمدیه توقف کرده و اشرار هم قتل کوه مشرف به تیران را سنگربندی نموده بودند فتح علیخان سردار معظم با عده ای سمت شرقی و دهات اطراف تیران را در دست داشت و موسی خان بهادر السلطنه عزیز آباد و قسمت های جنوبی را احاطه کرده بود . شبی بنا شد از اطراف بآنها شبیخون زنند و جنگ سختی همان شبانه بین آنها و عده سردار معظم درگیر شد آ سردار احمد خسروی و خانجان خان بآبادی در این جنگ کشته شدند از آن طرف هم سید محمود سابق الذکر که یکی از سردسته های معروف رضا خان بود با چندین نفر از اتباع دیگر او نیز بقتل رسیدند ولی تصرف قله کوه و گرفتن سنگرهای آنها غیر ممکن بود .

چهل روز و وضع بدین قرار گذشته بود که یکروز خبر رسید یاغیان فرار کرده به قدرجان رفته آنجا را گرفته و قصد دارند فلاورجان را هم تصرف کنند که با در دست داشتن پل آنجا عبور و مرور را بکلی قطع کنند روی این اصل دستور رسید که فوری فلاورجان را اشغال کنند بنابراین عده ای بطرف فلاورجان در حرکت آمد و آنجا را سواران بختیاری متصرف شدند و دهات اطراف فلاورجان را نیز قوای بختیاری در دست داشت قلعه سفید را که از همه مهمتر بود سردار بختیار در اختیار گرفت و بیشتر سواران رشید بختیاری نیز در خدمت او بودند .

بعد از مدتی خود سردار جنگ هم وارد فلاورجان شد پشت سر او سردار محتشم و جعفر قلیخان سردار اسعد هم آمدند چون ایل بختیاری وارد ییلاق شده بود هر روز تعدادی سوار تازه نفس اضافه میکردید و روز بروز عده روبه ازدیاد میگذازد و حلقه آسا دور تا دور قدرجان را احاطه کرده بودند .

خلاصه تمام اردو کشی هائیکه وسیله بختیار یان شده بود یکطرفه و این اردو کشی یکطرفه هیچکدام با اندازه این بار اشرار اسباب زحمت سواران بختیاری را فراهم نکرده



عکس دسته‌جمعی از خوانین بختیاری

بودند بقدری قوه و قدرت اشرار زیاد و غیر قابل شکست بنظر میرسید که ناچار عده‌ای پلیس جنوب با مهمات لازم در این جنگ شرکت کرده و توپهای شنیدر و مسلسل‌های آن نیز آماده کارزار شده بود .

اینجا باید اضافه کنم که پلیس جنوب قوای منظمی بود که انگلیسیها در مقابل قزاقها در جنوب ایران تأسیس نموده بودند و ژنرال سرپرسی کاکس معروف هم که در آنموقع سرگرد بوده است فرماندهی این قوای انگلیسی را داشت و اساساً این قوای منظم بدست افسر مذکور تأسیس شده بود و اول هم موسوم به اس . پی . آر بود که مخفف جمله سوت پرشین رایفل^۱ که بمعنی تفنگداران جنوب ایران است میباشد . ژنرال کاکس در جنوب و جنوب شرقی ایران خدمات ذیقیمتی بدولت انگلستان کرده است و کتابهای زیادی هم درباره ایران مخصوصاً اوضاع و احوال جنوب آن نوشته است که بعضی از آنها بفارسی نیز ترجمه شده است .

خلاصه در حمله‌ای که شبانه صورت گرفت سواران شجاع و دلوران بختیاری از اطراف حمله نمودند و چنان عرصه را بر اشرار تنگ نمودند که راه گریزی باقی نمانده بود کشتار زیادی شد رضاخان در این گیرودار مجروح شده بود ولی او با اتفاق جعفرقلی و شجاع همایون دهکردی و علی نقی چی معروف شبانه از زیر نقب قناتی گریخته بودند . تلفاتی که بآنها وارد شده بود بسیار سنگین بود از جوانان بختیاری هم عده‌ای کشته شد بسیاری از اتباع سارقین که از فرار رؤسای خود بیخبر بودند در بر جها و سنگرها استقامت کرده تا قبل از ظهر آنها نیز یا کشته شده و یا دستگیر شد رویهمرفته بقدر پانصد نفر از آنها دستگیر و سبید نفر هم کشته شده بود بقیه نیز با لباس مبدل موفق بفرار شده بودند بعد از قلع و قمع اشرار و دفن کردن مقتولین اردوی بختیاری بطرف فلاورجان حرکت نمود و آنجا خبر آوردند که رضاخان را با پای مجروح در کوه معروف بشاهزاده محمد دیده‌اند .



محمد رضاخان سردار فاتح

سردار جنگ سردار بختیار را مأمور دستگیری او نمود آنچه کوه مذکور را تفحص کردند اثری از او ندیدند و شب را ناچار به سده مراجعت نمودند و محمد رضا خان سردار فاتح و سلطانعلی خان حاجی شهاب السلطنه نیز بهمین طریق برای دستگیری سایر رؤسای اشرار باطراف مأمور شده بودند در فلاورجان و نفر از سارقین معروف را که جزو رؤسای دسته رضا و جعفر قلی بودند و دستگیر شده بودند برای عبرت دیگران در همانجا سنج گرفتند .

سردار بختیار و عده او همینطور که در کوهها و بیابانها بسراغ رضا خان در حرکت بودند از طرف سردار جنگ بآنها خبر رسید که رضا خان مخفیانه داخل نجف آباد شده است و دستور داده بود که باید اورا پیدا و دستگیر کنید بنا بر این بطرف نجف آباد رفتند و تمام باغات اطراف را جستجو کردند اثری از او نیافتند .

اسکندر خان ضیفم الدوله با بادی را مأموریت دادند که وارد نجف آباد شود و خانه بخانه را تفتیش کند در اینموقع باز خبر رسید که رضا خان را در کوه شاهزاده محمد دیده اند و در مرتبه آنجا حرکت نموده و باز اثری از او مشاهده نکردند ناچار سردار جنگ شخصاً وارد معرکه شد و در نتیجه راپورت صحیحی که باو داده بودند از اصفهان حرکت نمود و دقیقه‌ای هم از اسب به زیر نیامد تا اینکه در ظرف مدت کوتاهی متمر دین فرازی را دستگیر نمود .

جعفر قلی خان زنده ولی مجروح اسیر شد رضا خان در یکی از باغات محمد آباد وسیله علیخان فلاردی و آحمدی دستگیر گردید علی نقی چی که با آن صغر سن یکی از تشبهاره‌های عصر خود بشمار می‌آمد در باغات نجف آباد گرفتار گردید جسد شجاع همایون دهکردی را نیز در یکی از سنگرها پیدا نمودند خلاصه در ظرف مدت ده روز پس از مداخله مستقیم سردار جنگ کلیه آنها دستگیر و باین طریق غائله اشرار پایان یافت. ۹

۱ - در موقع حکومت یازدهم سردار جنگ کلیه راهزنان و سارقین آن منطقه را که به راهزنان فارس معروف بودند دستگیر و به مجازات لازم رسانیده است .

سردار جنگ هم با فتح و فیروزی در میان شور و هلهله اهالی اصفهان و طاق نصرت‌های فراوان وارد آنجا شد و این جنگ در واقع مهم‌ترین و آخرین جنگ‌های بختیاریان بشمار می‌آید و بطوریکه دیدیم تقریباً کلیه خوانین بزرگ و کوچک بختیاری در این جنگ شرکت داشتند ولی از آنجائیکه طبیعت کام کسی را برای همیشه شیرین نمی‌سازد در همین اوقات خبر فوت مظفرخان پسر سردار جنگ که در اروپا به تحصیل اشتغال داشت کام شیرین آن سردار دلاور را تلخ نمود و گذشته از این میتوان تاریخ بختیاری را از همین موقع خاتمه یافته تلقی کرد زیرا چیزی طول نمی‌کشد که جریان کودتای طهران پیش می‌آید و اوضاع تغییر می‌کند و در واقع سه چهار سالی نمی‌گذرد که با انقراض سلسله قاجاریه دست خوانین بختیاری از حکومت و فرمانروائی ایالات و ولایات کوتاه می‌شود و تا چند سالی فقط حکومت آنان منحصر به خاک بختیاری می‌گردد زیرا در این موقع چون احمد شاه به سن قانونی رسیده بود و جنگ بین المللی هم داشت تمام میشد بعضی از رجال و سیاستمداران طهرانی که با انگلیسها هم سرسری داشتند وعده‌ای دیگر سر برداشتند و مصمص السلطنه نخست وزیر وقت راهم کم کم از میدان بدر کردند و انگلیسها هم چون در نظر داشتند قراردادهای جدیدی با ایران منعقد سازند و با بختیاریان نمیتوانستند کنار بیایند این بود که موجبات زمامداری و ثوق الدوله را فراهم نمودند و نصرت الدوله و صارم الدوله هم در کابینه او راه یافتند و قرارداد پر سر و صدای ۱۹۱۹ میلادی (۱۳۳۷) هجری قمری با تمام مظاهر خود بوجرد آمد.

گویانکه مشروطیت از اول هم دردی را دوا نکرده بود ولی تا بختیاریان سرکار بودند لا اقل امنیتی بوجرد آمده بود چنانکه پس از رفع غائله سالار الدوله و سایر گردنکشان کسی جرئت سر بلند کردن و یاغی گری نمی‌کرد ولی همینکه قدرت بختیاریان بعلت نفاق و بعداً هم بواسطه فوت حاجی علیقلیخان سردار اسعد و سقوط کابینه مصمص السلطنه ضعیف شد و حکومت آنها منحصر باصفهان و بختیاری گردید از گوشه و کنار مملکت نیز اشخاصی مانند مظفر نظام شاهسون، میرزا کوچکخان جنگلی، سردار رشید کردستانی اسماعیل آقا سمیتقو و نظایر آنها سر برداشتند و قرارداد ۱۹۱۹ نیز آنچنان هرج و مرجی در



ردیف اول از راست به چپ : سلطانعلی خان حاجی شهاب السلطنه ۲- محمود خان هنر بنا السلطان ۳- محمدقلی خان (سرتیب اسعد) ۴- تیمورخان ۵- سلطان محمد خان سردار اربعه ۶- فضلعلی خان سردار معظم ۷- غلامحسین خان سردار محتشم ۸- نصیرخان سوار جنگی ۹- یوسف خان امیر مجاهد ۱۰- جعفرقلی خان سردار اسعد ۱۱- جهانگیر خان (پسر سردار اقبال) ۱۲- محمدجوادخان سردار اقبال ردیف دوم : ۱- علیخان امیراکرم ۲- پیروزخان استبدیاری ۳- عزتالله خان (پسر امیرمغفم) ۴- امانالله خان سردار حصمت ۵- محمدرضاخان سردار فاقه ۶- علمه شاهانیش قاجار ۷- علاء شاهانیش داد بختیار ۸- علی محمدخان (پسر امیر) ۹- علی محمدخان (پسر امیر)

سرتاسر ایران بوجود آورده بود که مردم آرزوی دوران استبداد را میکردند و از خدا میخواستند که شخصی پیدا شود که تمام این نابسامانیها خاتمه دهد و چنانکه میدانیم دو سال بعد هم واقعه سوم حوت ۱۲۹۹ شمسی پیش آمد و آن اوضاع آشفته و مشروطه منسوخ شده خاتمه بخشید و از همین موقع است که بعثت برجیده شدن بساط ملوک الطوائفی تاریخ بختیاری صورت دیگری پیدا می کند و چنانچه توفیقی حاصل شد در قسمت های بعد بشرح وقایعی از آن میپردازم اینک تاریخ خود را بهمین جا و با این ابیات خاتمه میدهم:

چو صاحب سخن زنده باشد سخن	به نزد همه رایگانی بود
یکی را بود طعنه بر لفظ او	یکی را سخن در معانی بود
چو صاحب سخن مرد آنکه سخن	به از گوهر و در کانی بود
خوشا حالت خوب مرد سخن	که مرگش به از زندگانی بود

تهران ۱۳۳۶ - سرهنگ اوژن بختیاری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شرکت سهامی بیمه ملی
خیابان شاهرضا - نبش ویلا
تلفن ۶۰۹۴۱ تا ۶۰۹۴۵

تهران

همه نوع بیمه

حسر = آتش سوزی = باربری = حوادث = اتومبیل و غیره

نشانی نمایندگان

آقای حسن کلباسی : تهران - سبزه میدان تلفن ۲۴۸۷۰
دفتر بیمه پرویزی : تهران - خیابان روزولت تلفن ۶۹۳۱۴-۶۹۰۸۰
شادی نماینده بیمه: خیابان فردوسی - ساختمان امینی تلفن ۳۱۹۴۶-۳۰۴۳۶۹
آقای مهران شاهگل‌گلدیان : خیابان سوم اسفند شماره ۹۴
مقابل : عبه پست - تلفن ۴۹۰۰۴

دفتر بیمه پرویزی : خرمشهر خیابان فردوسی

« « « شیراز سرای زند

« « « اهواز فلکه ۲۴ متری

« « « رشت خیابان شاه

آقای هانری شمعون - تهران تلفن ۶۲۳۲۷۷

« « « لطفاله کمالی « « ۶۱۳۲۳۲

« « « رستم خردی « « ۶۰۲۹۹

شرکت سهامی بیمه امید

تأسیس ۱۳۳۹

شماره ثبت ۷۳۳۱
سرمایه ۵۰.۰۰۰.۰۰۰

اداره مرکزی : خیابان فردوسی
اول خیابان ثبت - ساختمان بیمه امید
شماره ۳
نشانی تلگرافی : شریبمه

باربری زمینی و دریائی - اتومبیل - آتش سوزی - حوادث - عمر - بهداشت - دام -
بیمه مهندسی و مقاطعه کاری - تضمین صحت عمل کارمندان - بیمه وسائط نقلیه آبی - بیمه
اعتبارات - گردش پول - شکست ماشین آلات - بیمه عدم النفع

تلفنهای شعب شهرستانها

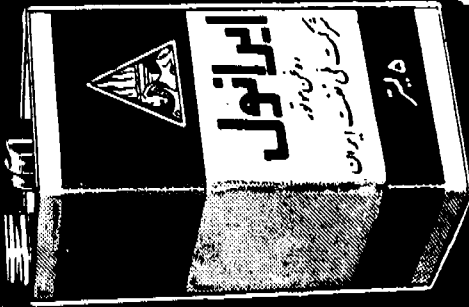
تلفنهای اداره مرکزی و شعب تهران

۲۴۷۳	خرمشهر	۳۸۵۹۹۵ تا ۳۸۵۹۵	اداره مرکزی
تلفن مغناطیسی	آبادان	۳۹۹۲۷	مدیرعامل
۳۷۱۰	اهواز	۳۱۱۲۹	دفتر
۴۲۹۳	رشت	۳۱۸۱۳	شعبه فردوسی
۴۹۰۹	اصفهان	۳۰۳۷۳۶	مخبر الدوله
۴۲۲۳	مشهد	۳۷۷۳۳	امیر کبیر
		۵۵۹۸۵	بازار
		۶۴۰۹۷ و ۶۱۱۱۵۸	نادری
		۴۰۷۹۴ و ۶۱۲۲۳۰	مرکز بهداشتی
		۷۵۷۷۴۳	درمانگاه فوزیه

این شرکت نفع خود را در سادات جامعه تشخیص داده است

ایرانول

چونخهای عظیم صنایع
ایران را میگردانند



ایرانول مطابق مشخصات انجمن نفت آمریکا و مراکز علمی انگلستان تهیه شده و دارای خواصنامه رسمی مرغوبیت از مراجع صلاحیتدار بین المللی است.

ایرانول با استفاده از جلالهای مخصوص و افزودن بهترین مواد شیمیایی بصورت یکی از مرغوبترین روغن موتورهای جهان عرضه میگردد.

ایرانول با دانه های مختلف برای استفاده در شرایط متفاوت محیط کار و موتورهای مختلف توصیه میشود.

ایرانول مناسب برای سرویسهای MI - MM - MS - DG است.

